

رویدادهای نوین در مدیریت ورزشی
دوره ۵، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۶
ص ص : ۸۹-۱۰۴

مدلسازی ساختاری (SEM) مؤلفه های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران

مهرداد شریعتی^{*} - محمود گودرزی^۲

۱. دکتری مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت : ۲۰ / ۰۶ / ۱۳۹۴ ، تاریخ تصویب : ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مدلسازی مؤلفه های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود. نمونه مورد مطالعه برابر با جامعه و برابر با ۳۲۵ نفر از متخصصان داخلی و خارجی در زمینه دیپلماسی ورزش بودند که به لحاظ اجرایی یا علمی در حوزه روابط دیپلماتیک ورزش صاحب نظر و کرسی ملی و بین المللی بودند. ابزار پژوهش پرسشنامه ای ۶۰ سؤالی بود که پس از تحلیل عاملی اکتشافی ۵۹ سؤال آن در ۱۰ مؤلفه (برندینگ و پرستیز بین المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، بردن رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه ای و توسعه قدرت هوشمندانه) باقی ماندند. آزمون های آلفای کرونباخ و α دیلون گلدشتاین پایایی ابزار و مؤلفه های آن را تأیید کردند. علاوه بر آن از بین مؤلفه های دیپلماسی ورزش، توسعه قدرت هوشمندانه بیشترین سهم را در تبیین واریانس مجموعه داشت. از سوی دیگر، روش حداقل مربعات جزئی علاوه بر ارائه و تأیید مدل نهایی پژوهش، روابی واگرا و همگرای ابزار مورد استفاده را نیز تأیید کرد.

واژه های کلیدی

توسعه، دیپلماسی ورزشی، روابط بین الملل، رویدادهای ورزشی، ورزش.

مقدمه

۱. ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد (۱۲). کشور چین در دهه ۱۹۷۰ میلادی توانست توسط ورزش خود را به جامعه جهانی بقولاند. نمونه بارز این موضوع حمایت چین از ورزشکار خود یائو مینگ^۵ بود که از وی به عنوان سخنگوی جهانی، نماینده فرهنگ چینی، مدرنیته و پیشرفت جهانی حمایت می‌کند. نمونه دیگر را می‌توان از عزام چهار بسکتبالیست آمریکایی در ۲۶ آگوست ۲۰۱۲ به کشور میانمار به عنوان بخشی از برنامه حمایتی ایالات متحده برای احترام به تنوع نژادی در نظر گرفت که آنها در آن کشور چند کارگاه آموزشی و کلینیک به راه انداخته‌اند (۱۸).
۲. رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌کنند. میزبانی یک رویداد بین‌المللی دلیلی بر تأیید شهر و ندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور است. ۴/۸ میلیارد نفر از مردم جهان توانستند سخنرانی ژاک روگ در بازی‌های افتتاحیه را که از ۳۰۰ میلیون بریتانیایی به دلیل به ارمغان آوردن شادی و مسابقات درخشان تشکر می‌کرد، تماشا کنند.
۳. سومین دلیل این است که دولتها دیگر به ورزش دید پدیده‌ای اضافه^۶ یا مکان بکر^۷ را ندارند. امروز ورزش به نوعی قدرت مطلق تبدیل شده و ورزشکارانی مانند فدرر، بکام و مسی^۸ به نوعی نماینده حکومت‌ها هستند.
۴. دیپلماتیک رشته‌های ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری شایان توجهی را در زمانی که روابط دیپلماتیک آنها ضعیف یا قوی هستند، در آن سوی

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین‌دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (۴). بعبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و استفاده می‌شود (۷). در واقع دولتها سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (۸). اگرچه ورزش – دیپلماسی در سال‌های اخیر به عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد باز می‌گردد؛ طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش بس المپیک»^۹ یا همان اکچیریا^{۱۰} توسط پادشاهان^{۱۱} آن زمان امضا شد (۱۶). آنها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآورند تا موجبات خشنودی تماشگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزا را کمرنگ و راههای بیشتری را برای گفت‌و‌گو باز کند تا این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (۲). گریکس^{۱۲} (۲۰۱۳) چهار دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل بیان می‌دارد (۱۳) :

-
1. Olympic Truth
 2. Ekecheiria
 3. Lycurgus of Sparta, Cleisthemis of Pisa & Iphistos of Elis
 4. Grix

5. Yao Ming

6. Niche

7. Backwater

8. Messi, Beckham & Federer

ورزش انجام گرفته است و پژوهش‌های انجام‌گرفته نیز اغلب از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک سنتی و حکومت‌محور و نه ابزاری واقعی برای اجرای سیاست‌های کارامد نام برده‌اند. از آنجا که این نوع دیپلماسی به تازگی مطرح شده و تأثیر آن بر جامعه جهانی و ارتباطات آن هنوز مشخص نشده است، فاصله و گستالت میان دو مقوله دیپلماسی و ورزش موانعی را برای ارزیابی ارزش بحث درباره این مفاهیم به وجود آورده است (۸). در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های کیفی بسیاری در خارج از کشور انجام گرفته است. جکسون^۳ (۲۰۱۳) در بخشی از مقاله خود با عنوان «زمینه ورزش جایگاهی برای رقابت دنیای جهانی شده» به ارتباط میان ورزش و دین پرداخته است؛ کمی فکر کنید، اگرچه ورزش اشارات زیادی به مذهب و رعایت هنجره‌ها (تقویت عضلات توسط عیسی مسیح (ع)) دارد، اما کاهش تعداد مسیحیان در سال‌های گذشته پاپ جان پاول دوم^۴ را مجبور کرد تا در بخشی از سخنانش در تأسیس دپارتمن رشته‌ای ورزشی در واتیکان^۵، بگوید: «کلیسا ... باید بدون شک به رشته‌های ورزشی توجه کند، پدیده‌ای که مشخصاً به عنوان یکی از شاهرگ‌های حیاتی فرهنگ معاصر و از جمله پیش‌قرولاً آن است». وی در ادامه ضمن بررسی کارکرد دولتی ورزش می‌افزاید: نقش ورزش در زمینه سیاست خارجه و روابط دیپلماتیک روزبه روز مبهم‌تر می‌شود (۱۷). از سویی عده‌ای معتقدند که ورزش به عنوان پدیده‌ای ارزشی با دشمنی‌ها مبارزه می‌کند و افراد را به گفت‌و‌گویی صلح‌آمیز دعوت کرده و کمک می‌کند تا فهم بهتر فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف صورت گیرد. این در حالی است که عده‌ای دیگر معتقدند ورزش در بسیاری از موارد نه تنها دشمنی‌ها را از بین نمی‌برد، بلکه خود

وضعیت سیاسی از خود نشان دهنده تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آنها مسیرهای جایگزین برای گفت‌و‌گو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد می‌کنند و در مواردی ابزاری برای تحریک یا تنبیه یک ملت هستند. برای مثال در سال ۲۰۱۲ و پیش از آغاز بازی‌های ۲۰۱۲ لندن، در آرژانتین پیامی تبلیغاتی از تلویزیون پخش شد که در آن ورزشکاران آرژانتینی در جزایر فالکلند^۶ (جزایری که برای تصاحب آنها میان انگلستان و آرژانتین دعوا وجود دارد) تمرین می‌کردند و شعار آنها در این تبلیغ «برای رقابت در خاک انگلستان، ما در خاک آرژانتین تمرین می‌کنیم» بود که این موضوع موجب شد تا فیلیپ هاموند^۷ وزیر دفاع بریتانیا این تبلیغ را پروپاگاندای «غیرقابل امتحان، بسیار توهین آمیز و نامحترمانه» توصیف کند (۱۴).

همانند آنچه در دیپلماسی سنتی مانند احترام و پذیرش سفيران، توافق‌نامه‌های مذاکره‌ای و حل مناقشات صورت می‌گیرد، فعالیت ورزش بین‌الملل اساساً به صورت ارتباطی و نمایندگی ملل است (۳). مانند سایر اشکال دیپلماسی، ورزش بین‌الملل نیز در صحنه‌ها و ورزشگاه‌های معین اتفاق می‌افتد. تأثیر ورزش بین‌الملل به عنوان پدیده‌ای مستقل در ارتباطات دیپلماتیک میان دولتها، مردم و سایر بازیگران می‌تواند به دو طبقه مهم دسته‌بندی شود که هر کدام از اینها بخشی مهم از دیپلماسی معاصر را در بعدی وسیع بررسی می‌کند؛ ۱. ورزش به عنوان مقوله‌ای که به طرق مختلف تأثیر مستقیم و مداوم بر روابط میان حکومت‌ها، ملل و مردمان داشته است؛ ۲. شیوه ورزش بین‌الملل که نیازمند بازیگران چندگانه بهویژه در حوزه دیپلماتیک است تا از طریق آنان بتواند اجرای رویدادهای ورزشی را ممکن سازد (۱۷). تاکنون پژوهش‌های کمی درباره تعامل میان دیپلماسی و

3. Jackson

4. Pope John Paul II

5. Vatican

1. Falkland

2. Philip Hammond

برزیل به لحاظ قدرت نرم پس از برگزاری جام جهانی فوتبال از رتبه ۲۱ به رتبه ۱۷ جدول جهانی جهش داشت (۹). گریکس و هولیهان^۶ (۲۰۱۴) نیز رویدادهای بزرگ ورزشی را به عنوان بخشی از استراتژی قدرت نرم می‌دانند؛ ایشان در مطالعه موردی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک ۲۰۱۲ بریتانیا ضمن مقایسه بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن، گزارش کردند که آلمان‌ها در استفاده از سیاست از ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته‌اند؛ آنها در دو دوره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست - کمونیست از این موضوع به خوبی بهره گرفتند. ایشان سه دلیل برای موفقیت آلمان در برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال گزارش کردند (۱۶)؛

۱. ارائه اطلاعات و آگاهی بخشیدن مناسب به مردم کشور در راستای مزایای میزبانی؛
۲. نگرش هوادار محور توسط کمیته بازی‌ها که به خوبی توسط ژرمن‌ها پذیرفته شده بود؛
۳. آب و هوای بسیار خوب طی چهار هفته برگزاری این بازی‌ها.

بریتانیا نیز با برگزاری بازی‌های ۲۰۱۲ لندن توانست دیپلماسی عمومی خود را تقویت کند. طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ که بریتانیا به دنبال آمادگی برای برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن بود، این کشور در شش شاخص صادرات، مهاجرت، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، گردشگری و مردم جزو شش دولت برتر دنیا قرار گرفت (۱۶). پیگمن^۷ (۲۰۱۴) در پژوهشی موری با عنوان «ورزش بین‌الملل و بعد عمومی دیپلماسی؛ دولتها، فدراسیون‌های ورزشی و جامعه جهانی» ضمن بررسی مفهوم رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به عنوان بازیگران دیپلماتیک از زمان المپیاد باستان، از تیم‌های حاضر در

6. Grix & Houlihan
7. Pigman

منبع دشمنی و تضاد است. چا^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «بازی‌های آسیایی و دیپلماسی در آسیا (کره- چین-روسیه)» ضمن معرفی کوتاه به بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن به نقش بازی‌های آسیایی در از میان بردن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد در آسیا اشاره می‌کند. وی در این مطالعه موردی ورزش را ابزاری تقویتی برای توسعه تعاملات بین‌الملل می‌نامد. وی در ادامه ورزش را یک «نشان ملی»^۲ می‌داند تا دولتها و سیاست‌ها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست یابند (۱۰). کاسترو^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهشی دیگر با عنوان «دیپلماسی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ و جام جهانی فیفا ۲۰۱۴؛ راهبرد برزیل برای پیروزی بر قلوب و اذهان از طریق ورزش و فوتبال»، کسب مقام‌های مختلف قهرمانی کشور برزیل در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی مانند جام کنفردراسیون‌های فیفا (۲۰۱۳)، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان (۲۰۱۳)، جام جهانی فوتبال (۲۰۱۴)، بازی‌های المپیک و پارالمپیک (۲۰۱۶)، پانزدهمین دوره بازی‌های پان آمریکن و پاراپان آمریکن (۲۰۰۷)، پنجمین دوره بازی‌های نظامی (۲۰۱۱) را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه^۴ این کشور می‌داند (۹). وی در قسمتی از پژوهش خود دوران ریاست جمهوری سیلووا در برزیل در دو دوره از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ را دستمایه رشد اقتصادی، ثبات مالی، محرومیت اجتماعی و تمرين دموکراسی می‌داند و معتقد است برزیل به عنوان بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی پا به پای کشورهای روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی رشد کرده و به عنوان یکی از کشورهای «بریک»^۵ خود را معرفی کند.

1. Cha
2. National Brand
3. Castro
4. Smart Power
5. BRIC: Stands for Brazil, Russia, India &, China

دیپلماتیک خود استفاده می کنند یا از رویدادهای ورزشی بهمنزله فرصت هایی برای بهبود دیپلماسی عمومی خود بهره می گیرند و در نهایت در زیر پرچم روابط دیپلماتیک از ورزش به عنوان ابزاری برای کاهش تنش و ایجاد زمینه ای برای تغییرات سیاسی استفاده می کنند و این همان شکل سنتی بحث دیپلماسی ورزش است. حالت دوم که همان ورزش بین الملل به مثابه نوعی از دیپلماسی است، کمتر مورد توجه و فهم قرار گرفته است؛ این بعد شامل تأثیرات هر دو ورزش بین الملل بر روی دیپلماسی و اختصاصی شدن دیپلماتیکی است که اتفاق می افتد واقع همان فعالیت های دیپلماتیکی است که موجب اجرای مسابقات ورزش بین الملل می شود (۱۹). در اندک پژوهش های کیفی انجام گرفته درباره ایران، چهابی^۳ (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران» به بررسی نقش و جایگاه دیپلماسی ورزشی در برقراری ارتباط بین دو کشور از لحاظ سیاسی پرداخت. وی به قدرت رسیدن سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ را نقطه آغازی برای رویکرد دوستانه در برابر کشورهای مختلف دنیا تلقی کرد. خاتمی در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد که از ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور همانند دیپلماسی تنیس روی میز نیکسون استفاده شود (۱۱). امیرتاش (۲۰۰۵)، در پژوهش دیگری با عنوان «ورزش و بازی های آسیایی؛ بزرگ ترین رویداد رشته های ورزشی در آسیا» به بررسی ابعاد مختلف هفت میان دوره بازی های آسیایی در سپتامبر ۱۹۷۴ پرداخت؛ وی با واکاوی اطلاعات مجله کیهان ورزشی و دنیای ورزش طی آن سال ها، به بررسی این بازی ها پرداخت. در این بازی ها ۳۶۰۰ ورزشکار از ۲۵ کشور قاره آسیا (از مجموع ۲۶ عضو فدراسیون بازی های

این رویدادها نه تنها به عنوان نمایندگان وزارت خارجه کشورها، بلکه به عنوان نماینده همه مردم و دولت ها یاد کرده است. در این مقاله به رشد سریع تعداد رویدادهای ورزشی بین المللی در ۵۰ سال گذشته و افزایش تبادلات فرد به فرد به شکل شخصی، مجازی در خارج از مرزهای ملی اشاره شده است. علاوه بر این موضوع، به این نکته نیز اشاره شده که فناوری های روز دنیا به قدرت ارتباطی رویدادهای ورزشی بین المللی در دهه های اخیر کمک شایان توجهی کرده است که خود منشأ و سبب انقلاب در این زمینه شده است (۲۱). پیگمن و مورای^۱ (۲۰۱۴) نیز در بررسی دقیق با عنوان «طراحی ارتباط میان ورزش بین الملل و دیپلماسی» به دنبال ترویج بهترین شیوه مورد پذیرش حکومت ها مبنی بر تسهیل و آسان کردن استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک توسط آنان و کاربرد مؤثر دیپلماسی توسط نهادهای ورزشی بودند. این پژوهش تلاش داشت تا مروری چندگانه بر مطالعات موروری پیشین دیپلماسی ورزش که بر روی رشته های پینگ پنگ، فوتbal، بیسبال و ... صورت گرفته است و نقیصه نبود مطالعه ای جامع در این زمینه را تکمیل کند (۱۹). ایشان در قسمتی از مقاله خود ضمن بررسی چندگانه شبکه ها، بازیگران و راه های ورزش بین الملل و دیپلماسی، دو طبقه بندی متفاوت از دیپلماسی ورزشی را تعریف می کنند: اولین مورد شامل ورزش بین المللی است که آگاهانه توسط حکومت ها به عنوان ابزاری دیپلماتیک استفاده می شود و دومین طبقه ورزش و بین الملل به عنوان دیپلماسی که می تواند به عنوان بازیگری غیر حکومتی در رقابت های ورزشی بین المللی نقش مذاکره کننده و نماینده گفتمان را داشته باشد. حالت اول در جهان امروز آشناتر و رایج تر است، چرا که حکومت ها امروزه از ورزش برای بلند تر کردن صدای پیام های

به دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت و آمد مقامات خارجی به تهران، نشان‌دهنده تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان نشأت می‌گیرد. با آغاز به کار دولت یازدهم، تحرک چشمگیری در حوزه سیاست خارجی کشور و تعامل با کشورهای جهان آغاز شد؛ تحرکی که توافق هسته‌ای وین را می‌توان نقطه عطف آن دانست. همچنین تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان‌دهنده درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود. در این میان و از یک سو با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و از سوی دیگر حضور پرنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پرینندۀ مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیال فرنستی به وجود آمده است تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک کنند. از این‌رو پژوهش حاضر تلاش کرد تا ضمن بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش، جایگاه آن را در «ساختار و هندسه جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران تبیین کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود. با عنایت به هدف اصلی، روش انجام پژوهش حاضر روش آمیخته از نوع اکتشافی متوالی^۲ (ابتدا روش کیفی و سپس

آسیایی) در ۱۶ رشته ورزشی (شمشیربازی، ژیمناستیک، هاکی، بدمنتون، تنیس، فوتبال، بسکتبال، تنیس روی میز، بکس، کشتی، وزنه‌برداری، دوچرخه‌سواری، تیراندازی، شنا و دو و میدانی) به رقابت پرداختند که از میان ۱۲۹۲ مdal توزیع شده به ترتیب کشورهای زاپن (۷۵ طلا، ۷۹ نقره و ۵۱ برنز)، ایران (۳۶ طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز) و چین (۳۳ طلا، ۴۵ نقره و ۲۸ برنز) بر سکوی اول تا سوم ایستادند. در این بازی‌ها چین پس از ۳۷ سال غیبت از تمامی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی، توانست برای اولین بار در این بازی‌ها شرکت کند؛ همچنین رشته‌های ژیمناستیک و شمشیربازی برای اولین بار به بازی‌های آسیایی راه یافتند. در این میان، ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند (۸). فرزوئی^۱ (۲۰۰۷) نیز در مقاله خود با عنوان «دین، سیاست و طبقه اجتماعی؛ تضاد و رقابت در فوتبال ایران» توسعه مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و نژادی را از طریق فوتبال در ایران بررسی کرد؛ وی فوتبال را انعکاس «ساخت ملی» حکومت ایران و آن را ماحصل قدرت‌نمایی مذهب با طبقات اجتماعی می‌داند. از نظر فرونی، ناتوانی حکومت در کنترل منازعات فوتبالی کشور ایران موجبات تضعیف حکومت را فراهم می‌آورد و این موضوع خود دستمایه حمایت بیش از پیش آنان از رشته ورزشی کشتی به عنوان ورزش ملی می‌شود. او معتقد است فوتبال فضایی پر تلاطم و مناسب برای بروز تعارض‌ها و تضادهای مختلف است. از دید وی پیش از انقلاب رژیم پهلوی و پس از انقلاب نیز دولت‌های وقت از فوتبال استفاده ابزاری کردند و به عنوان اهرمی سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف حکومتی خود استفاده می‌کردند (۱۳). از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمار زده منطقه، موقعیت رئوپلیتیک ایران،

تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل های پنهانی و اساسی است یا خیر؟ به عبارتی می توان گفت که واریانس مجموعه متغیرها ناشی از یک سری مؤلفه ها پنهانی و بنیادی است و نه تمامی این متغیرها؟ در ادامه برای تجزیه و تحلیل ۵۹ گویه باقیمانده از روش تحلیل عناصر اصلی با چرخش عمودی و با تکنیک واریمکس استفاده شد. مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۰۹ شد که نشان دهنده کفایت نمونه گیری است. مقدار این شاخص KMO همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. در صورتی که KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، داده ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص بزرگ تر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود در بین داده ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. آزمون کرویت بارتلت (آزمونی که به دنبال برآوردن هدف دوم تحلیل عاملی یعنی پس از فراهم کردن امکان تقلیل داده ها به یک سری عامل های پنهانی، بتوان ساختار جدیدی را براساس همبستگی بین متغیرها و عامل ها و معنای انضمای آنها کشف کرد) نیز معنادار به دست آمد که گواهی بر تناسب ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی است ($F=1711$, $p=0.000$, sig).

با توجه به جدول ۲، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد هر ده عامل در تبیین سازه مورد نظر مهم‌اند؛ با توجه به جدول ۲ عامل اول (توسعه قدرت هوشمند) ۸/۴۸۲ درصد؛ عامل دوم (بعد تاریک) در حدود ۸/۱۹ درصد؛ عامل سوم (تعاملات رسانه‌ای) در حدود ۷/۳۶ درصد، عامل چهارم (توسعه اقتصادی) در حدود ۷/۰۷ درصد، عامل پنجم (صلح و دوستی) در حدود ۶/۷۱ درصد واریانس، عامل ششم (توسعه فرهنگی) در حدود ۶/۵۶ درصد واریانس، عامل هفتم (برندینگ و پرستیز بین‌الملل) در حدود ۶/۵۶ درصد واریانس، عامل هشتم

روش کمی) بود. برای ساخت مدل مفهومی پژوهش در ابتدا از تحلیل محتوا (مصاحبه کیفی با افراد متخصص) (با استفاده از مطالعه مقالات، اسناد و مدارک و ابزار مصاحبه) استفاده شد. با استفاده از نمونه گیری گلوله‌برفی و طی مصاحبه با خبرگان و متخصصان امر ۱۱ (متخصص داخلی و ۲ متخصص خارجی) مؤلفه های ورزشی شکل دهنده دیپلماسی ورزش پس از دو دور دلفی و باقی ماندن ۱۰ گویه و ۵۹ سؤال شناسایی و دسته‌بندی شدند. تعداد ۶۳۵ پرسشنامه دوزبانه (۳۰۰ عدد حضوری و ۳۳۵ عدد از طریق پست الکترونیکی) در بین نمونه آماری منتخب توزیع شد که در نهایت ۳۲۵ پرسشنامه عودت داده شد. در ادامه با استفاده از نرم افزار SPSS از روش های آمار استیباطی از جمله آزمون آلفای کرونباخ، تحلیل عاملی اکتشافی از روش تحلیل عناصر اصلی^۱ با چرخش عمودی^۲ و با تکنیک واریمکس^۳ و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه برای اطمینان از پایایی مجدد ۱۰ مؤلفه به دست آمده از آزمون دیلوگلددشتاین استفاده شد. در نهایت به منظور بررسی روایی واگرا و همگرا و طراحی مدل ساختاری مؤلفه های شکل دهنده پرسشنامه دیپلماسی ورزش از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار PLS استفاده شد.

نتایج و یافته های تحقیق

با توجه به جدول ۱، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد ۲۷/۴ درصد از نمونه مطالعاتی بیش از ۴۵ سال داشتند و ۳۲/۹ درصد از آنان دارای مدرک دکتری بودند. سایر یافته های دموگرافیک در زیر آمده است.

آزمون KMO اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می کند؛ یعنی مشخص می کند که آیا واریانس متغیرهای

-
1. Principle Component Method (PCM)
 2. Orthogonal Rotation
 3. Varimax

پایایی استفاده می‌شود، پایایی ترکیبی است که طی آن پایایی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود و درصورتی که مقدار پایایی مرکب (ترکیبی) برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری دارد. برای تأیید پایایی مرکب از ρ دیلون-گلدشتاین استفاده می‌شود. این شاخص نسبت به آلفای کرونباخ شاخص بهتری است. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب (دیلون-گلدشتاین) نیز نشان دادند که یافته‌های پژوهش و مدل مورد اندازه‌گیری از اعتبار خوبی برخوردار است.

(توسعهٔ سیاسی) در حدود ۶/۵۴ درصد واریانس، عامل نهم (وحدت و همگرایی) در حدود ۶/۲۰۷ درصد واریانس، عامل دهم (مبازه با انزوا) در حدود ۴/۷۶ درصد واریانس را تبیین می‌کند. عموماً اولین معیاری که در مدل‌های اندازه‌گیری انکلasi کنترل می‌شود، پایایی سازگاری درونی است. معیار سنتی برای این کنترل آلفای کرونباخ است. آلفا شاخصی کلاسیک برای تحلیل پایایی و نشان‌دهنده یک سنت قوی در جامعه SEM است، که برآورده را برای پایایی براساس همبستگی درونی معرف‌ها ارائه می‌دهد. معیار مدرن‌تری که PLS برای ارزیابی

جدول ۱. یافته‌های دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) نمونهٔ مطالعاتی

| متغیر | بیش از ۴۵ سال | ۴۰ تا ۴۵ سال | ۳۵ تا ۴۰ سال | ۳۰ تا ۳۵ سال | کمتر از ۳۰ سال | فراآنی | درصد فراآنی |
|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|
| سن | ۸۹ | ۸۷ | ۸۲ | ۷۸ | ۳۹ | ۱۲ | ۲۵/۲ |
| | ۸۹ | ۸۷ | ۸۲ | ۷۸ | ۳۹ | ۸/۶ | ۲۶/۸ |
| | ۸۹ | ۸۷ | ۸۲ | ۷۸ | ۳۹ | ۸/۶ | ۲۷/۴ |
| | ۱۰۱ | ۱۰۷ | ۱۰۵ | ۱۱ | ۱۰۱ | ۳۱/۱ | ۳۲/۹ |
| | ۱ | ۱۱ | ۱۰۵ | ۱۰۷ | ۱۰۱ | ۳۲/۹ | ۳۲/۳ |
| سطح تحصیلات | دکتری | کارشناسی ارشد | کارشناسی | کارشناسی | دکتری | ۱۰۱ | ۳۱/۱ |
| | دیپلم | کارشناسی ارشد | کارشناسی | کارشناسی ارشد | دیپلم | ۱۰۷ | ۳۲/۹ |
| | کمتر از ۵ سال | ۱۱ | ۱۵ تا ۲۰ سال | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۱۰۷ | ۱۰۵ | ۳۲/۳ |
| | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۱۶ | ۲۰ تا ۲۵ سال | ۱۱ تا ۱۵ سال | ۱۰۵ | ۱۱ | ۳/۴ |
| | ۲۰ تا ۲۵ سال | ۱ | ۲۵ تا ۳۰ سال | ۲۰ تا ۲۵ سال | ۱۱ | ۱ | ۰/۳ |
| سابقه خدمت | بلی | خیر | تریبون بدنی | علوم سیاسی و روابط بین‌الملل | بلی | ۱۶ | ۴/۹ |
| | دیپلم | کمتر از ۲۰ سال | ۱۱ تا ۱۵ سال | ۱۱ تا ۱۵ سال | خیر | ۳۰۹ | ۹۵/۱ |
| | دیپلم | ۶۹ | ۶۹ | ۶۹ | تریبون بدنی | ۹۹ | ۳۰/۴ |
| | دیپلم | ۷۳ | ۴۳ | ۴۳ | علوم سیاسی و روابط بین‌الملل | ۱۱۲ | ۳۴/۴ |
| | دیپلم | ۵۲ | ۴۳ | ۴۳ | سایر | ۱۱۴ | ۳۵ |
| تجربهٔ کرسی بین‌المللی در ورزش |
| | تجربهٔ کرسی بین‌المللی در ورزش |
| رشتهٔ تحصیلی |
| | رشتهٔ تحصیلی |

جدول ۲. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها براساس تحلیل عاملی اکتشافی

| نام عامل | رتبه | بار عاملی | آلفای کرونباخ | دیلون-گلدشتاین ρ |
|-----------------------|------|-----------|---------------|-----------------------|
| توسعهٔ قدرت هوشمندانه | ۱ | ۸/۴۲ | ۰/۸۸۰۳ | ۰/۹۰۹۳ |
| بعد تاریک | ۲ | ۸/۲۷ | ۰/۸۹۲۰ | ۰/۹۱۷۵ |
| تعاملات رسانه‌ای | ۳ | ۸/۱۹ | ۰/۹۱۸۵ | ۰/۹۳۴۸ |
| توسعهٔ اقتصادی | ۴ | ۷/۳۶ | ۰/۹۰۳۰ | ۰/۹۲۵۲ |
| صلاح و دوستی | ۵ | ۷/۰۷ | ۰/۸۴۵۹ | ۰/۹۸۵۶ |
| توسعهٔ فرهنگی | ۶ | ۶/۷۱ | ۰/۸۹۸۵ | ۰/۹۲۴۸ |
| برندینگ بین‌الملل | ۷ | ۶/۵۶ | ۰/۹۱۹۹ | ۰/۹۳۵۹ |
| توسعهٔ سیاسی | ۸ | ۶/۵۴ | ۰/۹۴۰۳ | ۰/۹۵۲۴ |
| وحدت و همگرایی | ۹ | ۶/۲۰ | ۰/۸۹۶۴ | ۰/۹۲۰۱ |
| مبازه با انزوا | ۱۰ | ۴/۷۶ | ۰/۹۲۱۶ | ۰/۹۳۸۷ |

براساس خروجی های آزمون کولموگروف- اسمیرنوف نرمال دارند و می توان از آزمون های آماری پارامتریک به منظور پاسخ به پرسش های تحقیق استفاده کرد.

جدول ۳. نتیجه آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای هر یک از متغیرها

| مؤلفه | تعداد | میانگین | انحراف معیار | Sig | نتیجه آزمون |
|----------------------|-------|---------|--------------|-------|-------------|
| توسعه قدرت هوشمندانه | ۳۲۵ | ۲/۸۸۰ | ۰/۷۹۶ | ۰/۰۵۷ | نرمال |
| بعد تاریک | ۳۲۵ | ۳/۲۲۹ | ۰/۸۰۷۵۳ | ۰/۰۸۸ | نرمال |
| تعاملات رسانه ای | ۳۲۵ | ۳/۰۰۷۷ | ۰/۹۳۵۵۲ | ۰/۰۸۴ | نرمال |
| توسعه اقتصادی | ۳۲۵ | ۲/۶۵۲ | ۰/۸۳۹۴۶ | ۰/۲۱۸ | نرمال |
| وحدت و همگرایی | ۳۲۵ | ۲/۸۵۳۸ | ۰/۸۰۳۷۵ | ۰/۳۲ | نرمال |
| توسعه فرهنگی | ۳۲۵ | ۳/۳۴۶۲ | ۰/۸۰۲۵۷ | ۰/۰۶۲ | نرمال |
| برندینگ بین الملل | ۳۲۵ | ۲/۸۸۱۰ | ۰/۷۵۱۲۲ | ۰/۱۶ | نرمال |
| توسعه سیاسی | ۳۲۵ | ۲/۸۴۹۷ | ۰/۸۳۹۷۳ | ۰/۲۹۸ | نرمال |
| صلح و دوستی | ۳۲۵ | ۲/۷۵۵۷ | ۰/۹۱۵۳۱ | ۰/۲۴ | نرمال |
| مبازه با انزوا | ۳۲۵ | ۲/۸۳۸۵ | ۰/۸۵۰۵۵ | ۰/۴۰ | نرمال |

نتایج آزمون پیرسون نشان داد از میان مؤلفه های هوشمندانه بیشترین همبستگی را دارد ($r = 0/535$). سایر یافته های آزمون پیرسون در جدول ۴ آمده است.

مورد مطالعاتی، برون رفت از بعد تاریک با توسعه قدرت

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرهای موجود در تحقیق

| مؤلفه های مورد بررسی | | | | | | | | | |
|----------------------|-----|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|-----------------|
| ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| توسعه قدرت | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۱ |
| هوشمندانه | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | برون رفت از بعد |
| تاریک | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۱ | $0/535$ |
| تعاملات رسانه ای | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۱ | $0/178$ | $0/165$ |
| توسعه اقتصادی | --- | --- | --- | --- | --- | ۱ | $0/288$ | $0/335$ | $0/260$ |
| وحدت و همگرایی | --- | --- | --- | --- | ۱ | $0/312$ | $0/249$ | $0/478$ | $0/498$ |
| توسعه فرهنگی | --- | --- | --- | ۱ | $0/486$ | $0/307$ | $0/380$ | $0/439$ | $0/349$ |
| برندینگ بین الملل | --- | --- | ۱ | $0/361$ | $0/453$ | $0/367$ | $0/208$ | $0/423$ | $0/406$ |
| توسعه سیاسی | --- | ۱ | $0/221$ | $0/393$ | $0/347$ | $0/510$ | $0/385$ | $0/311$ | $0/249$ |
| صلح و دوستی | ۱ | $0/158$ | $0/362$ | $0/293$ | $0/501$ | $0/269$ | $0/211$ | $0/398$ | $0/361$ |
| مبازه با انزوا | ۱ | $0/154$ | $0/495$ | $0/242$ | $0/350$ | $0/225$ | $0/368$ | $0/261$ | $0/266$ |

مکنون خود بیشتر از بارهای عرضی یا بار آن معرف برای سایر متغیرهای مکنون باشد. اگر معیار فورنل-لارک روایی افتراقی را در سطح سازه ارزیابی می‌کند، آزمون بار عرضی ارزیابی روایی را در سطح معرف فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش در این بخش نشان داد که بار هر معرف انعکاسی برای هر سازه بیشتر از بار آن معرف برای سایر سازه‌ها و بیانگر تأیید نهایی روایی مدل اندازه‌گیری است. در بررسی T - مدل ساختاری، ضرایب معناداری Z (مقادیر Q^2 ، معیار R^2 ، و معیار $VALUE$) مدل ساختاری بررسی (T - Value) می‌شود. به طور کلی ضریب معناداری Z براساس نقاط بحرانی $1/96$ و $1/96$ - تعیین می‌شود. بدین ترتیب که چنانچه میزان ضریب معناداری بیشتر از $1/96$ یا کوچکتر از $1/96$ - باشد، فرض صفر مورد پذیرش وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. یافته‌های این قسمت بیانگر تأیید تمام مفروضات اولیه پژوهش است. از سوی دیگر، هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. در یک مدل، در صورتی که یک سازه درون‌زا تحت تأثیر یک یا دو سازه برون‌زا قرار گیرد، مقدار R^2 از $0/33$ به بالا نشان از قوت رابطه میان بین آن سازه و سازه‌های درون‌زا دارد. مقدار R^2 برای متغیر مکنون در سطح متوسط وجود دارد. معیار Q^2 یا آزمون استون-گیر قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌سازد. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ را به عنوان قدرت پیش‌بین کم، متوسط و قوی تعیین کرده‌اند. در صورتی که مقدار این معیار صفر یا کمتر از صفر شود، مدل احتیاج به اصلاح دارد (۴). همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مدل ارائه شده در این پژوهش توانایی بالایی در پیش‌بینی مؤلفه‌های وابسته و دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل دارد.

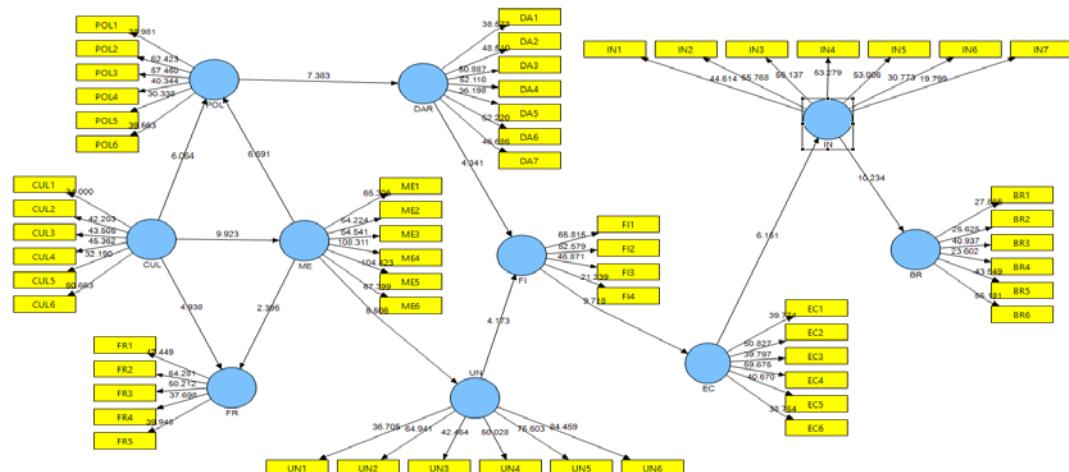
پیوند میان دانش نظری و تجربی به منظور درک بهتر از دنیای واقعی از ویژگی‌های روانکردی الگویابی معادلات ساختاری است. چنین تحلیلی امکان الگوسازی براساس متغیرهای مکنون^۱ و متغیرهای مشهود^۲ را همزمان فراهم می‌سازد و این ویژگی بسیار مناسب برای تحلیل الگوهای نظری است که در بیشتر مواقع مفاهیم اشاره شده در آنها پدیده‌های غیرقابل مشاهده را خلاصه کرده است. متوسط واریانس استخراج شده (AVE) به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا به کار می‌رود. حداقل (AVE) معادل $0/5$ بیانگر اعتبار همگرای کافی است؛ به این معنا که یک متغیر مکنون می‌تواند به طور متوسط بیش از نیمی از پراکندگی معرفهایش را تبیین کند. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار AVE برای متغیر مکنون با مدل انعکاسی بالاتر از $0/5$ است. برای سه متغیر مکنونی که هر کدام با یک متغیر مشاهده شده سنجیده شده‌اند، مقدار این شاخص برابر یک است. بنابراین می‌توان گفت که روایی همگرای مدل‌های اندازه‌گیری مطلوب است. روایی افتراقی مفهومی تکمیل‌کننده است و در مدل‌سازی مسیری PLS دو معیار برای آن مطرح است: معیار فورنل- لارک و آزمون بار عرضی. معیار فورنل لارک بیان می‌دارد که از نظر آماری AVE هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین توان دوم همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای مکنون باشد. این معیار روایی افتراقی را در سطح سازه ارزیابی می‌کند. با توجه به اینکه مقدار AVE برای هر سازه بیشتر از توان دوم همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های انعکاسی موجود در مدل است، بنابراین روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی تأیید می‌شود (۴). آزمون بار عرضی یکی دیگر از معیارهای ارزیابی روایی افتراقی است که آزادی بیشتری دارد. در این آزمون انتظار می‌رود بار هر معرف برای هر متغیر

1. Latent Variable
- 2 . Manifest Variable

جدول ۵. برآزش مدل ساختاری

| <i>Red</i> | <i>Q²</i> | <i>F²</i> | <i>R²</i> | <i>T-Value</i> | ضریب تأثیر مسیر | سازه ملاک | AVE | سازه پیش بین |
|------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------|--------------------|--------------------------|--------|--------------------------|
| ۰/۶۷۲ | ۰/۶۷۲ | ۰/۱۲ | | ۵/۷۲۹ | ۰/۲۹۱ | توسعه سیاسی | | توسعه |
| | | ۰/۰۶ | | ۹/۷۵۴ | ۰/۳۸۸ | تعاملات رسانه‌ای | ۰/۶۴۹۹ | فرهنگی |
| | | ۰/۰۰۵ | ---- | ۵/۲۰۲ | ۰/۲۵۳ | صلح و دوستی | | |
| ۰/۱۴۶ | ۰/۶۵۷ | ---- | ۰/۲۲۸ | ۷/۶۲۰ | ۰/۳۲۷ | برون‌رفت از بعد تاریک | ۰/۶۵۷۷ | توسعه سیاسی |
| | | | | ۶/۲۷۳ | ۰/۲۸۳ | توسعه سیاسی | | |
| ۰/۱۱۳ | ۰/۷۱۶ | ---- | | ۲/۱۳۸ | ۰/۱۱۸ | بر صلح و دوستی | ۰/۷۶۹۴ | تعاملات رسانه‌ای |
| | | ---- | ۰/۱۵ | ۵/۶۳۱ | ۰/۲۵۴ | وحدت ملی و همگرایی | | |
| | | ---- | | | | | | |
| ۰/۰۶۸ | ۰/۶۷۲ | ---- | ۰/۱۰۷ | ۴/۵۶۸ | ۰/۲۳۶ | بر مبارزه با انزوا | ۰/۶۷۲۰ | برون‌رفت از بعد تاریک |
| ۰/۰۴۶ | ۰/۷۱۸ | ---- | ۰/۰۶۴ | ۴/۴۹۵ | ۰/۲۲۳ | مبارزه با انزوا | ۰/۷۱۸۹ | وحدت و همگرایی |
| ۰/۱۰۴ | ۰/۶۸۲ | ---- | ۰/۱۵۵۹ | ۹/۰۳۰ | ۰/۳۸۴ | توسعه اقتصادی | ۰/۶۸۲۸ | مبارزه با انزوا |
| ۰/۰۹۸ | ۰/۶۵۷ | ---- | ۰/۱۴۷ | ۵/۹۰۸ | ۰/۲۶۴ | توسعه قدرت هوشمند | ۰/۶۷۳۶ | توسعه اقتصادی |
| ۰/۰۴۶ | ۰/۶۷۶ | ---- | ۰/۰۶۹ | ۹/۵۷۰ | ۰/۴۱۲ | برندینگ بین‌الملل | ۰/۶۷۶۳ | توسعه قدرت هوشمندانه |
| ۰/۰۷ | ۰/۷۱۱ | ---- | ۰/۱۰۱ | ---- | ---- | ---- | ۰/۷۱۱۱ | صلح و دوستی |
| ۰/۱۰۵ | ۰/۶۲۶ | ---- | ۰/۱۷ | ---- | ---- | ---- | ۰/۶۲۶۰ | برندینگ بین‌الملل |

در نهایت مدل نهایی به دست آمده برگرفته از جدول ۵ با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال اس نیز در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش (POL: توسعه سیاسی، CUL: توسعه فرهنگی، FR: توسعه دوستی، UN: همگرایی، EC: توسعه اقتصادی، IN: قدرت هوشمندانه، ME: مبارزه با ازو، FI: تعاملات رسانه‌ای، DAR: بعد تاریک)

میان رشته‌ای با ارتباط با فرهنگ، اقتصاد و سیاست به عنوان مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمندانه (۱) می‌تواند جایگزینی مناسب برای بهبود تعاملات سیاسی میان کشورها باشد. بعد تاریک (۸/۲۷) دومین عامل و دربرگیرنده تحریم و ترور در ورزش بین‌الملل است. رویدادهای بزرگ ورزشی بهدلیل پوشش وسیع رسانه‌ای، توجه و مخاطب میلیاردی خود بهترین و مقرن به صرفه‌ترین مکان برای فعالیت‌های تروبریستی و ضدبشاری است. رسانه در واقع «تئاتر خیمه‌شب‌بازی» تروریست‌ها به‌منظور رسیدن به اهداف خود است (۴). بازی‌های المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را می‌توان سرآغاز این مفهوم در جامعه بشری دانست، چراکه پس از آن چهره ترور با مردی نقاب‌پوش در اذهان مردم جهان تداعی می‌شد. پس از آن بازی‌ها ۱۷۸ مورد حمله تروریستی مرتبط با رویدادهای ورزشی و ورزشکاران به ثبت رسیده است (۴). تعاملات رسانه‌ای (۸/۱۹) درصد) سومین عامل تشکیل‌دهنده دیپلماسی ورزشی است.

جهانی شدن و انقلابات ارتباطاتی و چگونگی توصیف یک کشور در رسانه‌ها را می‌توان از جمله مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در توسعه روابط دیپلماتیک دانست. تمایل افکار

بحث و نتیجه‌گیری

اولین و مهم‌ترین عامل در بین ابعاد دیپلماسی ورزش قدرت هوشمندانه (۸/۴۸) درصد) بود؛ اگرچه بسیاری از پژوهشگران این قدرت را هم‌ردیف با قدرت نرم می‌دانند، نای^۱ (۲۰۰۳) قدرت هوشمندانه را ترکیبی از قدرت سخت و نرم تعریف می‌کند (۴)؛ از این دیدگاه قدرت نرم زمینه‌ساز نفوذ و ژرفای بیشتر کاربرد قدرت سخت است. سازگاری و حرکت ورزش با افکار عمومی را می‌توان از جمله دلایل بارز ظهور قدرت هوشمندانه در این زمینه نامید (۵). ورزش در کنار مسئولان، مخاطبی غیر از آنان را نیز پوشش می‌دهد و در این زمینه ابزارهای تبلیغاتی مختلفی از جمله رسانه‌ها را نیز درگیر می‌کند و می‌تواند از این بستر برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک خود نیز استفاده کند. ورزش می‌تواند خواسته‌های افراد را بدون پنهان‌کاری و مونوپل کردن منتشر کند و به این نیازها از طریق مجدوب کردن (به جای اجبار یا امتیاز) پاسخ دهد. دیپلماسی ورزشی با ارائه جاذیت شیزوفرنیک نهفته در خود می‌تواند با تأثیرگذاری بر عامه مردم به نتایج مطلوبش دست یابد. در واقع ورزش به عنوان مفهومی

ورزشی مطرح شود. از سوی دیگر، یک کشور با روابط حسنی و دوستانه با جامعه بینالمللی شانس بالاتری برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دارد. توسعه فرهنگی (۶/۷۱ درصد) همراه کردن دیپلماسی ورزشی با روابط فرهنگی از جمله مؤلفه های مولد قدرت نرم است. ورزش بستری مناسب برای ارائه و ظهور خرد فرهنگ های کشورهای مختلف به ویژه میزبانان رویدادهای بزرگ ورزشی است. در واقع کشورها از طریق نمایش فرهنگ خود در رویدادهای بزرگ ورزشی به قبض و بسط جایگاه خود در عرصه بینالملل می پردازند. برندینگ و پرستیز بینالملل (۵/۶۶ درصد) هفتمنی مؤلفه دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بینالملل است. برندینگ بینالمللی شکل تازه ای از دیپلماسی عمومی در بین کشورهای است که آسان ترین شکل دستیابی به آن از طریق ورزش است (۲۰). ورزش به عنوان یک «برند ملی» موجب می شود تا دولتها و سیاستها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خوبیش دست یابند. توسعه سیاسی (۵/۶۴ درصد) اگرچه در ادبیات سیاسی دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری در دست سیاستمداران بوده، اما امروزه بیشتر متخصصان حوزه دیپلماسی ورزش بر این باورند که ورزش خود می تواند به عنوان مسیری مرتبط با روابط سیاسی نقشی متمایز و مستقل در توسعه روابط دیپلماتیک ایفا کند. وحدت و همگرایی ملی (۲۰/۶) درصد) نهمین مؤلفه تشکیل دهنده دیپلماسی ورزش است. برای نمونه در مسابقات جهانی اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور به دنبال پیروزی ورزشکاران وابسته به خرد فرهنگ های مختلف آن کشور بازگو کننده وحدت ملی در آن کشور است. مبارزه با انزوا و تحریم (۷۶/۴ درصد) آخرین عامل تشکیل دهنده توسعه روابط دیپلماتیک در ورزش است. تحریم های اقتصادی یکی از ابزارهای دیپلماسی اجبار است که ورزش به مثابة ارزش

عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده واقعی ورزشی در رسانه های ارتباطی جمعی جهانی از سوی دیگر، موجب شده است تا قلمرو ورزش و سیاست روزبه روز به هم نزدیک تر شوند (۶). فیشر^۱ (۲۰۰۳) دیپلماسی عمومی را ماحصل سه بخش تبدیل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و پخش رسانه ای می داند که ورزش عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی که همواره پشت درهای بسته و به دور از هیاهوی رسانه ها برگزار می شود، نقشی حیاتی در بهبود جایگاه کشورها در روابط بینالملل دارد. توسعه اقتصادی (۳۶/۷ درصد) چهارمین مؤلفه توسعه روابط دیپلماتیک کشورهای است. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که توسعه دیپلماسی ورزشی در گرو توسعه اقتصادی کشورها و برعکس است. هر کشوری با میزبانی رویدادهای ورزشی می تواند با کسب میزبانی درصد جزیی مسائل و مشکلات اقتصادی خود را برطرف کند و با پیشرفت اقتصادی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد. برای مثال کشورهای بریک (برزیل، چین، روسیه و هند) از میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی نیز به عنوان یکی از منابع راهبردی توسعه روابط دیپلماتیک استفاده می کنند. صلح و دوستی (۷۰/۷ درصد) پنجمین مؤلفه توسعه روابط دیپلماتیک از طریق ورزش است. مردم جهان از طریق بازی با یکدیگر تفاهem بیشتری پیدا می کنند و در نتیجه برای رفع اختلاف های خود کمتر به زور متول شوند. ناکارامدی دیپلماسی نظامی در حل مناقشات و منازعات سیاسی کشورها سبب شده تا این مفهوم به عنوان یکی از مؤلفه های اثرگذار دیپلماسی

1. Fisher

فرهنگی کشیده شود، نه تنها در سطح رسمی باقی می‌ماند، بلکه پیوندهای گسترده‌تری را میان ملت‌ها ایجاد می‌کند.

مشترک جهانی تجلی‌گاه تقابل کشورهای متخاصل و متجاوز در مقابل یکدیگر است. کشورها از بستر ورزش بهمنظور اعتراض خود نسبت به رفتار جامعه جهانی یا به‌طور خاص کشوری متجاوز علیه خود استفاده می‌کنند.

نتایج معادلات ساختاری نیز تمامی مفروضات برخاسته از مدل مفهومی پژوهش را تأیید کرد. جدول ۵ نشان داد که در ابتدا توسعه فرهنگی بر تعاملات سیاسی اثرگذار است. لانزاک و بلین^۱ (۲۰۱۱) تحقق اهداف نرم را در سایه تعاملات فرهنگی مانند سفیران هنری، ورزشی و ... می‌دانند. برای نمونه فدرر، بکام، مسی و ... نمونه بارز سفیران فرهنگی‌اند که با حضور خود در مراسم مختلف می‌توانند به توسعه سیاسی کشور خود کمک کنند (۱۸).

از سوی دیگر، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای ویژه‌ای برای تنظیم و اجرای روابط فرهنگی، انعقاد موافقت‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی، تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن‌های دوستی، همکاری‌های علمی، پژوهشی و دانشگاهی، همکاری میان سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی، ورزشی، جهانگردی، جوانان و ... از جمله ابزارهایی هستند که امروزه در روابط فرهنگی به کار گرفته می‌شود که این موضوع خود می‌تواند زمینه‌ساز رشد سیاسی و ایجاد یا تقویت روابط سیاسی کشورها با یکدیگر شود. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان داد توسعه فرهنگی بر تعاملات رسانه‌ای تأثیرگذار است. پرواضح است در عرصه فرهنگ مقوله‌هایی چون هنر (فیلم، سرگرمی، موسیقی، تئاتر، هنرهای نمایشی) و رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، اینترنت و ماهواره) نقش پررنگی دارند. از یک سو با توجه به مخاطب میلیاردی رسانه و از سوی دیگر با توجه به زبان ملايم فرهنگ اين مفهوم می‌تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم همچنان زنده نگهدارد. روابط میان کشورها چنانچه به عرصه‌های

منابع و مأخذ

۱. آهنین جان، ستار (۱۳۹۱). «تأثیر رفتارهای حمایت‌گرانه در توسعه و اثربخشی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۲۷.
۲. دوستی، مرتضی (۱۳۹۱). «علل ورود سیاسیون به ورزش»، رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، ص ۴۱.
۳. سمیعی، علیرضا؛ فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳، ص ۱۷۶-۱۴۵.
۴. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ سجادی، نصرالله؛ خبیری، محمد؛ علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۴). «جنبیش المپیک یا جنبش دیپلماتیک؛ نقش ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جامعه جهانی»، تهران: تیک تاک، ص ۱۳۲.
۵. قربانی، ندا (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در منطقه خلیج‌فارس (مطالعه موردی: بحرین و عراق)»، پایان نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۱۸.
۶. نصیری مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «تبیین رابطه جامجهانی فوتبال با روابط خارجی کشورها»، پایان نامه دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۴.
۷. یزدانی، عنایت‌الله؛ نژادزندیه، رویا (۱۳۹۱). «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۷، ص ۴۴-۱۹.
8. Amirtash, A. M. (2005). "Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East". *Sport in Society*, 8(3), pp: 449-467.
9. Castro, A. S. (2013). "South Africa's engagement in sports diplomacy: The successful hosting of the 2010 FIFA World Cup". *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), pp: 197-210.
10. Cha, V. (2013). "The Asian games and diplomacy in Asia: Korea–China–Russia". *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), pp: 1176-1187.
11. Chehabi, H. E. (2001). "Sport diplomacy between the United States and Iran". *Diplomacy and Statecraft*, 12(1), pp: 89-106.
12. Feizabadi, M. S., Khabiri, M., Hamidi, M. (2013). "The relationship between the success of countries at the Guangzhou 2010 Summer Asian Games and demo-economic factors". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, pp: 369-374.
13. Fozooni, B. (2004). "Religion, politics and class: conflict and contestation in the development of football in Iran". *Soccer & Society*, 5(3), pp: 356-370.
14. Govindan, K., Azevedo, S. G., Carvalho, H., Cruz-Machado, V. (2015). "Lean, green and resilient practices influence on supply chain performance: interpretive structural modeling approach". *International Journal of Environmental Science and Technology*, 12(1), pp: 15-34.
15. Grix, J. (2013). "Sport politics and the Olympics". *Political Studies Review*, 11(1), pp: 15-25.

- 16.Grix, J., Houlihan, B. (2014). "Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012)". *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), pp: 572-596.
- 17.Jackson, S. J. (2013). "The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world". *International Area Studies Review*, 16(3), pp: 274-284.
- 18.Lanzac, A., Blain, C. (2011). "Weapons of mass diplomacy". London, New York: Self Made Hero Abrams, pp: 113-129.
- 19.Murray, S., Pigman, G. A. (2014). "Mapping the relationship between international sport and diplomacy". *Sport in Society*, 17(9), pp: 1098-1118.
- 20.Ndlovu, S. M. (2013). "Sport under Communism: Behind the East German 'Miracle'". UK: Palgrave Macmillan, p: 280.
- 21.Pigman, G. A. (2014). "International sport and diplomacy's public dimension: Governments, sporting federations and the global audience". *Diplomacy & Statecraft*, 25(1), pp: 94-114.